

لشکری خسرو پیش از پیش از
لشکری خسرو پیش از پیش از

و همچنان با پیش اطهار دادند و تبراء از جمیع مخالفین و منافقین، چنانا پنده و مجموع تجمع
و خشوع نماز میکنند و روزه بیکری نموده و خسرو زرگوه مال خود را میدهند و از معاصری
و منابعی و ملاحتی اجتناب دارند و مدادر ایشان تبرویج دین میمیں حضرت سید امیر
خلیفین و خاتم النبیین میباشد و امر معروف و نهی از منکر میباشد و هرگز از ایشان
مستطیع شوی و صحیح جلیت الله اکرام میباشد و زیارت قبور ائمه را بجا میباشد و نهادن
بعد وزیارت از کافه عالمند و همچنان حملکت نسبت بحضرت صاحب الامر و اد
و چون محمد خان مردم آن دیوارهاین بود که حضرت صاحب الامر را ن سال تعبد و
جهت زدن میبینست بلزوم آن خط و صرز و بوم را ببور جال پیشان و همچنان خود منور خواه
خرمود و هاجم از طاری بر دیدم لکن فارآآن دولت نصیب نشد پس از انجام سفر
نموده بپارخویش مراجعت کرد پس در پردهان و حمان و رانجبا باقی ماندند با میدان
آن دولت را در پایانه دادند و چون آزادی خوازه محترم کلام خود را با نیوار مانید و پیر
بر خواهسته و اخراج حجره دیگر شد و اهل جمیع را یک یک طلبیده تاکید آگید و پیر
این خبر نموده عهد و یشاق از هر یک گرفته که افتخاری میمیں را از رانتها پنده بگردانند
و ابراز او و عید و تهدید نمود و **ایضًا** شیخ صدقه داده در کتاب انتقام آید
و اکمال اشعار حکایتی تعلیم بخواهد که شخصی از طایفه بُری را شد که ساکن در جلد همدان بود
سالی پیش رفته بود و بعد از مراجعت از یک یک متری و پاد و متری تقریبی از رفعتی
خود باز مانده خواهش دید بود و بعد از پیده اری اثری از طایفه بُری را شد که ساکن در جلد همدان بود

و بیکس دران بیان دید سراسر شده باره دران بیان دید ناقوت
اد رفت پس دران حالت بند او نزد عالیان تالید و میگریست او بیکو بیدله
آن حال اضطراره و اضطراب و حیرت ناکاهه میں بیزو خرم آمد متوجه
طرف شد مزینی دیدم بسیار بیزو خرم که آن طراوت دم از بیشتر برین بیزو
و دران بیان بیزی قصری نایان بود با خود کفم که در آن بازی هوناک بیدله
بیزو خورم و این قصر فرع پیش و از کیست که آن بیچکس نام و نشان از او نشید
بودم پس قسم نا بد رقصه بیدم دیدم دوجان سفید پوشش شسته اند بایشان سلام
نمودم چواب با صواب ایشان شنیدم پس هم کفته حق بجا و تعالی را با تو نظر
میباشد و خیرت را خواسته است پس یکی از اینها برخواسته و داخل آن قصر شد بعد از
پرون آمد و با من گفت برخیرو پدر ون قصر بیاچون داخل شدم عمارتی دیدم که با
خوب و صفا نماید په بودم ناگه بدر صفا دیدم پرده او بیکه بود پره را برداشته مرا
داخل آن صفا نمود و دیدم در بیان صفا تختی نهاده بود و بر بالا آن تخت جوان خود
رد و خوش بود خوش بود خوش بیاسی تجیخ فرموده است و بر بالای هر شش
شمیر را زی آویخته بود و از قور و می با آن خانه چنان متور شده بود که میگفتی ما و
چهار و طلوع نموده است پس پرداز سلام نمودم و اوز لطف و هربانی چواب بیدله
گر مود و بید از من کیم عرض نمودم و دایمی شمش نام فرمود منم قائم آل محمد
لپید و آله و سلم که در اخراج زمان خریج خواهم نمود و باین شمشیر که میگزینی زمین به پرازعدل

و داد و راستی خواهیم بعد از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد من چون این کلام را
از زبان صحیح بیان آن قرار نام شنیدم بجهة اتفاقاً دم در دیر غاک پایی مبارک او باید
فرمود چنین کمن و سرخود را از غاک پردار چون سرخود را برداشتیم فرمود نام تو فلای
پسر فلانی است و از مردم همان عرض نمودم بلی فدائی تو شوم ایمولاد افایی من فلای
دوست میداری بخانه و اهل خانه است بر سی عرض کردم بلی ای سید و مولایی
من فرمود خوب است که اهل خود را بدانستی و بدایتی ثابت و چی دانمچه دیدی و شنیدی
با ایشان بگوئی پس خادمی اشاره فرمود که کیمی زردی بمن داد و دوست مرآگرفته ازان قصر
پرون آورد و اندک راهی با من بود چون نگاه کردم مسجد و مناره و دشتیان و پیده مان
خادم از من سید که این موضع و محل را بستانی عرض نمودم که در حوالی منزل و ولایت
دیگری میباشد که اور اسد آباد بگویند بین محل ثبات است و اوه گفت بلی این اسد آباد
بسیاست بر و دچون لست شده اور آنده بدم و چون گیره را کشیدم نجایه دینیار زرد او
بود و از برکت او تقدیم بناه سید و خبر و بگفت بر ما بسیار شد و از این قبیل بجا یافته
از بسیار می از صعیدین و مقدمین و موقیعین نقل شده است که بندیست آرزو خواست
و را میگردد و رسیده اند و اور او بید و اند و لکن شناخته اند با این ساخته اند و لکن
بجهة اظهار معجزات و کرامات و بدایت نمودن خلو آن حضرت خود را بینی نموده اند و لکنه
این مناقات ندارد و باعده بیشی که برگرس را دعای مٹا به د مر افرا یاد کند اب و مفتری
دیگر اوازان تو قیع مدغی و کالت و نیابت و امور دین هست مخالف اینکه کسی د

لایه لایه

میان بخت اشرف و کوفه چهل شش هزار طایفه شش هزار از جن خواهد رسید و آن
خبر است که چهل شش هزار جن که مجموع جن و ملک لشکر اود نو داده هزار نباشد
خر خواهد رسید و بین لشکر عالم زیر و زبر خواهد کرد و در خبر است که لشکر آن حضرت پدر
هزار و انواع رسیده باشد و مراو لشکر افس دست که پور و دکور و هزار پانصد
وایض آن در خبر صدق اثر دیگردارد و دست که خداوند عالیان آن خضر را مه
خواهد فرمود پنجاه هزار تقریبی که یکده نظرت حضرت پدر الشهد او از آسمان نازل
فرمود و در طرف کربلا و چون آنها بزم رسیدند آن حضرت در پیغمبر فیض شهادت
فایز شده بود پس آنها را ولید و عبار آورد و خواستند عروج فایزند خطاب است طلاق
از حضرت رب الاد پاپ باشان رسید که باید در مراسم حسینی بیانید که از این
موارد و طلب مفترض از برای زیارت کفته کان او نمایند و زوار قبر او را استقبا
و مشایعت کنند و متوجه احوال آنها شود و بزرگ ایشان ملک منصور است
وایض آن حضرت راغد و نندبه و میفرماید باش رسیده میزده ملک که
چنگ بد ربحضرت رسول خدا نازل شدند و ایض آن از خواهند در راه نهست
آن جانب آن شجزاء تقریب که در چنگ احمد و حسین از برای زیارت حضرت خاتم
النّعیم فرد و آمدند زیرا که یاوران خاتم الوصیین باید همان یاوران خاتم آنها باشند
که اتمام هوا شجام دین همین بحثت ایشان واقع شده باشد پس اختلاف اخبار در این
حدت لشکر طغیا آن حضرت محول و اختلاف امکنه و از من و جن و افس و ملک خوا

قی از میم از میلادن از میلادن از میلادن از میلادن از میلادن از میلادن
بیلی بیلادن ای بیلادن ای بیلادن ای بیلادن ای بیلادن ای بیلادن ای بیلادن
بیلادن ای بیلادن

گزاری بر این دو اتفاق که در آن مکالمه ای بین امام ابا طن و ایضاً امام محمد باقر
علیهم السلام منقول است که مسافت لشکر کاوه آن حضرت بچهل و نه میل خواهد بود
که عبارت از شاتر و فرسخ و گلشی و در تماعی عکس طفر اشاران فخر شیرکت فخر خوش و

بو و چنانچه معلوم شد و ایضاً از حضرت امام ابا طن و ایضاً امام محمد باقر
علیهم السلام منقول است که مسافت لشکر کاوه آن حضرت بچهل و نه میل خواهد بود
که عبارت از شاتر و فرسخ و گلشی و در تماعی عکس طفر اشاران فخر شیرکت فخر خوش و
دیوی و فاسق و حاره نباشد و هفت هزار قفر قرآن خوان و لشکر کاوه آن جناب
شغول خادوت قرآن باشد و حقیقت کسی را کویند که حم شده باشد یکه دادن و
در بُرْعینی موط و مفعول و دیوی کسی باشد که زن او زناده داد و بدند و حرف
ترند از پی غیره و این خبر دلالت دارد که مردمان بد عمل مُسَارِبَه لایط و موط داد
فاسق فاجر ظالم مرتد منافق نگاه بحرا م حرامزاده بد قلب بذریان پر حرم پرورد
بیدین بفسد مفتق بدنیاد میان لشکر آن حضرت بهم نرسد و ایضاً از خبری
و در دشده است که دره وزاده اول خود آن حضرت پیصد و نیزه ده قفر ایان
بعد اصحاب خلیل در حضرت رسول خدا درگذشتند ای اراضی و خیره از هر ایشان
عالیم حاضر شود و بآن حضرت بیعت نمایند و ملائمه کاب طفر ایشان باشد و
زمان قریب پیش از خداوند عالمیان همه آنها و یا بعض آنها در طالقان جمع نمایند و
ایشان با شیریایی تیرپاشند و اسم بزرگ از آنها و پدر ایشان پیش شیرشان نوشت
شده باشد و بعضی از آنها از امتیاز کذشة باشد و بعضی از آنها است مرحمه باشد و بعضی
از مردمان باشد که زنده شوند و بعضی مثولده شده باشند تا زمان آن دوره موافقة
که بخدمت کمال در پیشه و پاشند و بعضی آنها او تا ده قطب در جان الغیب و او پیاده

و زندگانی خود را در این دو اتفاق بین ایضاً امام محمد باقر و ایضاً امام ابا طن
میگذرد و این دو اتفاق بین ایضاً امام محمد باقر و ایضاً امام ابا طن

باشد که پاید در عالم سرنا پندیجه رسانیدن فیوضات خیر قدر باشد و بندگان خداو
عالیان از جانب حضرت خاتم الانبیاء که امام زمان باشد داشتن مد و نیکی
در امور جهنه خیرات و میراث نمایند و این شخص از سوابیان خاص الخاصل حضرت
میباشد که کسی آنها را نشناشد و ایشان خود را یکی نشاند و هرگز در میان مردم او
عایی مشاهده ننمایم و نیابت و پایبینی و دکالت نکنند و شاید از ایشان باشند
آن سی تفریق و بیان و تقویت و بیان و این که در هر حرفه باید تمام درونی میباشد
نمایند و در هر روزی بطری از اطراف عالم بپرسند که از موایان خاصه آن جنابند که
پاید در هر جمهوری پنجاه هزار جمهوری آن حضرت حاضر شوند که بثابر و ریتی از ایشان است خضر
واریستی و این مذکور است بثابر کل است بعضی از علماء و محدثین میباشد و در بعضی
از اخبار تصریف از آنها بتعجب و شجاع و اوتاد شده است و در کل است بعضی اهل علم
تعجب از آنها با قطاب و ابدال و اوه کان فوده اند هر فوجی با صلح احی و احتمال و لذت
که ایشان را زین خلی پیشند که در روی نهیں و در میان مردمان میباشد که ایشان با
بهایت الہی و دلیل قریب نمایند و طالعان صحیح شوند و در شیکه در صحیح آن دو وزن
حضرت از کله نموده فرماید ایشان در رخت خواهی خود خواهد پاید و باشد چون صحیح شود
هر یک از ایشان در زیر بالین خود صحیح و نوشتہ بیا بند که در او نوشته شده باشد
طاقوی معروف و پس این علامت پدانتند که آن حضرت نموده فرموده است پس اینجا
آن بخشی طبی اراده ضر و بعضی هر اپر سوار شده بخده است آن حضرت بر سر خانم پایه

۲۰۷- میخانه نیز بسیار خوب است. علاوه بر این دو قصر از آنها که در اینجا مذکور شدند، دو قصر دیگر در این شهر وجود دارد که در میان دو قلعه قرار دارند. این دو قلعه همچنان که از نامشان معلوم است، قلعه هایی هستند که در میان دو قلعه قرار دارند.

وَأَنْ يُرْسَلَ إِلَيْهِ مُلْكُ الْمُجْرِمِينَ وَإِنَّ رَبَّهُمْ لَهُمْ بِهِمْ أَكْفَارٌ
وَإِنَّمَا يُنَذَّرُ الَّذِينَ دَعَوْنَا إِلَيْهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ بِنَذْرِنَا

این آیه مبارکه است که آیتیان نو ایا است یکم الله چنین هر جا که بوده باشید شما میتوانید
خداحست شمارا یعنی همه را در تزدآن حضرت در کته جمع میفرماید و این شخص مقدم شیخ
از آن کسانی میباشد که در ولایات سابقه آن ذکر از حضرت صاحب لام میباشد بجهة
از اهل این میباشد چنانچه اغلب اکثر این حضرت از این مردمان میباشد اگرچه ثابت
از آن مردمان هم در میان ایشان یافت شوده مرزا وزیر طالقانی حمال وارد که
طالقان و پلهم باشد و این اطہرت و اتمال وارد که طالقان شام باشد و الله العالم
وایصاف از کتاب تحقیق المپاس از مولانا حضرت امام الباطن و آن ظاهر امام محمد
باقر علیہ السلام متقول است که چهار تقدیر اینها از پیغمبر از میباشد که زندگانند و قدر
از ایشان در آسمان است که حضرت عیسیٰ بن مریم و حضرت اوریس باشد و در قدر
دره وی زمین میباشد که حضرت خضر و حضرت ایاس باشد و حضرت عیسیٰ بن مریم
غائب تعبیه از آسمان ترول نماید و وزیر بام غایب نبوده این آیده شاید سیر آن حضرت
قبل از ورود او بیام کعبه بطریق سیرا میباشد که محتاج با باب شاشه
و چون بیام غایب رسید سپرد سلوک او قبل سیرا میباشد که زندگانی
لهذا در قرود آمد از بام کعبه محتاج نبوده این باشد چنانچه در آسمان محتاج باشی
و خدا ایست و چون نمیباشد محتاج با اینها بیود و این حدیث مناقات با آنها
سابقه مدارکه حضرت عیسیٰ در حصاریت المقدس است بربال هاک که اشتیه و فرق
خواهد آمد و با جمیعت مومنین مغاز خواهد نمود و با حضرت صاحب آن زمان بار سرگردان

بیکم میباشد که این میتواند میتواند میتواند میتواند میتواند میتواند میتواند
میتواند میتواند میتواند میتواند میتواند میتواند میتواند میتواند میتواند میتواند میتواند

آن شود بعد از آن رآن حضرت ذیروک شاید اول یکه نازل شده بیت نایید و بعد
بدریش صعود و ترول نازد روانه کانهای تیرگرد آید تا جمیع میان اخبار شده باشد
و ایصاً همان حضرت درین حدیث بیفرماید که بیت و هفت قصاید
و نه قصاید مرد کان قوم پیشینیان نمده شوند یعنی تنشیت امور آن حضرت و پاترده
قصاید قوم موسی بن عمران باشد که خداوند در سان ایشان میفرماید و قران و متن قرق
موسی ائمه بهند و آن پاچی فوجه بعد توئن و دنخبر و یکریه که طایفه قوم موسی زنده
و شمار ایشان در میان ریک فلاح یا شد گلو میکانی پن میون راه ایشان و شمار ایشان
میبرند و هفت قصاید ایشان اصحاب گهفته عیاشد و حضرت فرشح بن فون و صی خضر
موسی و حضرت شیب و حضرت صالح و مدد و شوند و از این میست جانب سلان
فارسی و فضی الله عنده و ایهود خان افسار و مقدم او اسود و مالک و مشتر و چهار قصاید
زندان نام حسن مجتبی و چهار قصاید او و دفعیل باشد و ایصفا در و دهت آربجا
و از حضرت نام محمد باقر علیه السلام متقول است که آن جانب فرمود که از هر دو یاد
چند قصاید رکاب قصاید آن جانب باشد و در اصل درین سیصد و سیزده قصاید
ییاشد پن و هشت آر که چهار قصاید آر مدینه چهار قصاید و آر هشت لطفی
پهار قصاید آر شام و دوازده قصاید آر کمین و دو دوزده قصاید آر عروه
ست قصاید و آر بنبی حجی قسمیم چهار قصاید و آر هی اسد و دوازده قصاید آر پیغمبر
همفت قصاید آر کوه هستان بصره هشت تن و آر فرماتان بصره

آر فرماتان بصره آر کوه هستان بصره آر فرماتان بصره آر فرماتان بصره آر فرماتان بصره
آر فرماتان بصره آر فرماتان بصره آر فرماتان بصره آر فرماتان بصره آر فرماتان بصره آر فرماتان بصره

چهار نفوذ و از نواحی بصره شش نفوذ از جهان چهار نفوذ و از ری
چهار نفوذ و از کوه پایهای دی چهار نفوذ از سه داده نفوذ
و از نواحی و اطراف قم بزرگ نفوذ از صفصان بکسر و از
خرمان چهار نفوذ از مکران بکسر و از موالیه بفسه و از مروده نفوذ
و از هندوستان پنج نفوذ و از فرونین سه نفوذ از ماوراء النهر
نفسه و از جبله و نفوذ از کوفه دو زده نفوذ و از طوس و نواحی و
جفت نفسه و از فیشا پور چهار نفسه و از سبزوار دو زده نفوذ
از دامغان نفسه و از خاور چهار نفوذ و از مصیر چهار نفسه و از
شیراز هفت نفوذ و از طبرستان دو زده نفسه و از حل چهار
تن یا سه تن و از کوشس چار تن و این مذکورین برداشت آپجا و دست
و تنه عدو آن میسد و سیزده نفره اما حال کتاب با حدیث یا نوشته عالمی است
که در وہ ایم و این بزرگ کو ام این ده زدن خبر بین جوان باشد که از پیران باشد هم
اچنان هم و در خبر است که همه این میسد و سیزده نفر از اول ده هم چیزی شد و شاید خوب
بر عالم اینها باشد با محول بزرگ نهاده اینها باشد با محول بر این باشد که در عجم نشود نما
نموده باشند با چون در طالعاتی که در عجم است محصور میشوند و نه اینجا به خدمت این خدمت
میشند بلکه افراد مددگار اول ده عجمند اکرچه از امراء و خیران اعراب باشند و میباشند
همه آن میسد و سیزده نفر از طالعاتی جمع شوند و جمی از ایشان که از اول ده عجمند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ إِلَهِ الْجَمِيعِ
يَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْضِ وَمَا فِي السَّمَاوَاتِ
يَعْلَمُ مَا فِي الْأَجْنَافِ
يَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْضِ وَمَا فِي السَّمَاوَاتِ
يَعْلَمُ مَا فِي الْأَجْنَافِ

نفع شود و پیش از ملکه بجهت محب پرستی نهاد
پس از آن سبب درین پیش از محب پرستی نهاد

آنچه شوند بالهای اینها مقصود حضرت آنها باشند و الله العالم نور
پازد هم و رسانی اسامی اصحاب آن حضرت و بلدان ایشان
و آنها در تراویه هدی و اهل علم آقذین ایشان تعین و صدوم است و در بعضی اخبار صحیح
با اسم و بلدان ایشان شده است ولیکن اخبار بطرق اختلاف دار اسامی و بلدان و تعین
چند تقریب هر بلدى دارد شده است و چون یعنی آنها را با شارات و روزات پس
شاید جمع و توافق میان اخبار حکم باشد و لیکن بحسب ظاهر مخالفت با هم و از آنها مطلع
میل و احوال و حدیثی را که جامع آنهاست در این محاجات روایت یعنی هم که حبیب
بسار است اهل بصیرت شود اگرچه بعضی کلمات و تعین اشخاص و ملاده دین و جبر
میباشد اول خبر است که آبوجعفر محمد بن جعفر طبری در مسند فاطمه روایت میکند از ابو
که پنجم است حضرت صادق آن محمد صلی الله علیه و آله و سلم گفت که فدا کی تو شوم مرد
و و بعد دو صاحب حضرت قائم و بلدان ایشان و مواضع آنها آن جانب فرمود و زخم
بیاچون روز جمعه شد و قسم مردی فرمود بتویی این خادم رسول خداست به امیر المؤمنین
علی علیہ السلام از عدد اصحاب حضرت قائم که در تراویه از خلنهای درخت خواه
خود حاضر میشوند و ایشان بجای قضاة و تحکام آن حضرت میباشد و مسبان مردم از
ظاهر پسند شرق بکرده او مرابط پیلچ است و آر صاحبان دو مرد و آر فرعا
یکرد و آر تردد و مرد و آر دیلمچهار مرد و آر مرور و دو مرد و آر مرد
دو آزاد مرد و آر پیروت و مرد و آر طوسی رنج و آر فرمایت دو مرد و

فیض بزرگ افغانستان و میان افغانستان از کل الله العالی ایشان داشتند و این میان ایشانی ایشان

لکه هنر نهاد و بی ازی می خورد و لکه ای که از پیش از آن بود بیشترین علی این دلخواه

ای سنجستان مرد و از پیش ای اور زاده دارد و از هر است دو از مرد و
و از بوسیج چهار مرد شاپه قیچیان باشد و آن ری هفت مرد و از تبر
ستان هفت مرد و از قسم هجده مرد و از زندگه مرد و از ترا فعه دو
مرد و از حلب مرد و از سلیمه نهر و آن داشت دو مرد و از
فلسطین بکرد و از بعلک بکرد دار سوان بکرد و از قطاط چهار مرد
و از قیر و ای دو مرد و از کوکرمان مرد و آن قزوین دو مرد و از
بهدان چهار مرد و از موستان بکرد و از پید بکرد و از خطا ط بکرد و از خار و ای
مرد و آن نوا بکرد و از سنجار چهار مرد و از قالیقا بکرد و از سما ط بکرد
و از نصیبین بکرد و از موصل بکرد و از بلواق دو مرد و آن را بکرد و از
حران دو مرد و آن باغه بکرد و از قالس بکرد و از صنعت دو مرد و از قیمت
بکرد و از دادی القری بکرد و از بلواق و از خیر بکرد و از پید بکرد و از
خار بکرد و از کوکر چهارده مرد و آن مدینه دو مرد و از ترنده بکرد و از
حیون بکرد و از توکشیا بکرد و از طهنه بکرد و از پرم بکرد و از اهون زد
مرد و از صلطخه دو مرد و آن مولیان بکرد و از دینل بکرد و از می دهان
بکرد و از مداین هشت مرد و از عکبری بکرد و از حلوان دو مرد و از نصره
سمرد و آصحاب که عث و دیشان هفت مردند و دو تا جرکه خارج انتظار
و سه تقر غلام این دو تقد و دوزده تقر که بعد م پاد غیت برده اند و دو تقد

شنبه بیست و دو زبان شنبه بیست و دو زبان شنبه بیست و دو زمان شنبه بیست و دو زمان
چهل و سی هشت شنبه بیست و دو زمان شنبه بیست و دو زمان شنبه بیست و دو زمان شنبه بیست و دو زمان

مکانیزم این مدل را می‌توان با در نظر گرفتن مدل انتشار از میانه‌ای که در مقاله ایشان آورده شده است، بررسی کرد.

که بر اندیش رفته اند و از آنست که شد و چهار تقریباً کم شد و از مرکب خود است
و آن شیراز یا سپر افت یک دود و دو تقریباً نجفیه بوسی سرد و طالب مگی
یک دود و گریجیه بکرو و احتجاج کشند و بخواهی پناصی بکرو و ایشان بسیمه
و سیزده تقریباً است بعد داصلاب حضرت رسول خدا در وقت بعد پس ایشان کشید
و درگاه جمع هشتو نه در شب و صبح جمعه در مسجد امیر امام جمع خواهند شد که بکنفرانس ایشان گلوفت
تحوا به نهاد پس در کوچهای که متفرق می‌شوند که هتل از برای مسکنای خود پیدا نمایند
و اهل مکه پایشان جاتخواهند و از برآک ایشان نیلا و نیداشند از برای چه کار را می‌نمایند
و درگاه از جلو و خود از تجارت و جع و غبر و بعضی از اهل مکه بعضی از کوکویند این اشخاص
از بکیه شهری نمی‌باشند و ما ایشان را جمع خواهند داشت و ایشان بد و می‌ستند و شتر و
حیواناتی مدارند پس اینها از کدام ولایت آمدند و در اینجا جمع شده اند پس درین هنگام
مردمی از بنی هجر و میکند از دو میباشد مگه ترک مکه همراه و
میکویند من امشب خواب عجیبی دیده ام و دعا و زار خایت و مغضطیم میکویند چه دیدم
میکویند دیدم خیری بسیار بزرگ از آسان اتفاق داد بوسی کعبه چون ملاحظه نمودم دیدم
لهم از بودند که بالهای اسبر و اشنه پس طوفت بجهة نموده در شرق و غرب عالم
پر و از نموده پهن شدند و پولایت دو هی فیبریدند مگر آنکه او را مثل آتش میوند از
پس مردم گه با و میکویند بیان ابر و پم تبر و اقیحه که تصیر این خواب را بناید و او صدای
از بنی تغییف که علی دارد و چون با و نقل خوار بر امیکرند او تیر میکویند من عجیب دیده ام

بازدید از موزه های ایرانی در آلمان

این شب از لکنگاری خدا که شما قوی بر آنها تحویل داشت پس مردم خبر آن قوم را
با او میدانند و از ترد و بجهش بکردن که این قوم را بکیر نمی‌پسندند خداوند عالمیان وقت
در سیس ویسی از آنها در دل ایشان می‌باشد از دو بعضی بعض دیگر می‌کویند که هنوز از
این قوم خلاف و منکری نگهود نمیدارد هست تعجیل و ده امر کر فقط آنها ترا میدانند شاید مرد
از ایشان در قبیله از قبائل عرب باشد اگر شرارته از او ظاهر شود پس آن وقت
با آنها در آویزید و حال آنکه در سیماهی ایشان خوب مشاهده می‌شود و رینهای او رحم خدا می‌باشد
که خون ایشان می‌باخ فیت نماینکه حادثه مرخ ماید که موجب جنگ با آنها شود پس آن
مرد مخدوشی می‌کویند که نامین غایتم از ایشان شاید در غصب ایشان مردم دیگر پنهان
نمی‌باشند که چون آنها در دشون رینهای آنها یکدست شوند پس حال که آنها کند
و قوی ندارند ایشان می‌دانند میان پردار پیش از آنکه قوتی پیدا نمایند و من لحاظ نمی‌دارم
خواهد فیض شمار اگر آنکه حق خواهد شد پس ولایت خود را از ایشان خالی نمایند پس کی
از میان ایشان کوید اگر چندین مثل ایشان وارد شود در این مکان دوین بدل شما خواهید از ایشان
نمی‌دانسته باشید زیرا که آنها سلامی ندارند و قلچه که پناه می‌یابند پس خواهند بافت اگر مرد
تذمیر ای آنها بر سر آول ایشان را می‌کشیم مثل آنکه تذمیر آب بخورد و بطری جمع با آنها خواهیم
بردهم کلیت خواهند بود نماینکه شب برآید پس خداوند عالمیان خواه برایشان
و کوشش ایشان سلط خواهند فرمود و شهادت آن طایفه با هم جمع می‌شوند مثل آنکه را و ان
در دنیا یکدیگر ندارند و زمان متفرق تا اگر که حضرت عالم تم طاهر شود و دویهم خیری

وَمِنْ مُكَفَّرِ نَعْجَنَةٍ إِلَيْهِ وَمِنْ نَعْجَنَةٍ نَعْجَنَةٌ
وَمِنْ جَنَّةٍ جَنَّةٌ بَلْ جَنَّةٌ بَلْ جَنَّةٌ
وَمِنْ جَنَّةٍ جَنَّةٌ بَلْ جَنَّةٌ بَلْ جَنَّةٌ

که در کتاب فاطیہ الرؤم اینا بوجسر و پیش افتخار متفق است که او نفت باشد و یک رنجیدت
حضرت صادق علیه السلام و صالح زبان جانب شود مزاحاً اصحاب جانب
جانب قابیم تم پس از حضرت اسماهاد نهاد این خبر میان فرموده باشند تفصیل این اتفاق در
لذایند شرقیت بند الدین محمد بن سعید است که بازان خوانده میشود اوست که مر ابط و شیخ
است و از اهل سلام و در مردم که اسر کی از آنها ابراهیم پسر صالح است که قصاب
از اهل سوچان است و دیگری بوست پسر و زاده است که در مشق عطاء است و از اسما
و از اصحاب اعلیٰ پسر عفر خیاط در سکه بریغ و علی پسر عبدالله در سکه تاجیک است و از
سیرافت و ششم که برج زیارت است بیکه باع و عالی پسر عبدالله در سکه تاجیک است و از
دیگر مخلوقات مولی حبیب و دو از ده فخر و آنی اینهاده پسر عقبی عطاء است و محمد پسر عصید الم
است هشتم پسر عبدالله کامل آن مولی قطبیه و سدر و می و صالح پسر و تعالیٰ آن
سیما و پسر کاظم و همی و سیلا لازمی و دجیم پسر خاکار پسر صہید و ایشان پسر علی خاکی
خان بیشتر می بازد هم جابر پسر علی احمد را جوش پسر عرب و آنکه نظر از ربا و ردا و
زیبا پسر عبدالله از حسن پسر عجب و بیان پسر فضل پسر فراشب و همی و سجنی پسر سیکان خاک
و علی پسر خالد و سلم پسر شعبه پسر فرات بزار و علی پسر عبدالله از حسن پسر علی و عزیز پسر
و ستم پسر کاظم و عرب پسر صالح و عماره پسر عفر و پیغ نظر از طوسی شهد و
پسر علیان و موسی پسر عتمی سه سلیمان پسر طلبیق و پسر آزاد و داد و حوض قبرضا
علیهم السلام است و علی پسر شندی صراف و دو قرار و دو قوات شایان پسر عتم

و قلی پیر کلثوم است که در سکر دا زده کوه است و پست و چهار نفر طالعانی
ادل مردی است که مشهور است پیره آدمی کوہی است ^۱ عبد الله پیر عزیز ابراهیم
پیر عزیز هتل پیرندق الله ^۲ چیزیل خداوند علی پیرانی علی و زانی علیارد پیر
جهوده ^۳ محمد پیر خوار ^۴ هنگریا پیر طبیعت هرمام پرسخ ^۵ چیزیل پیر ما مر پیر قالد ^۶
کشیده علی جویی ^۷ عبد پیر فردان پیر شدام ^۸ هزاره پیر برام ^۹ مسماه پیر مسلم ^{۱۰}
خلیج نمارد ^{۱۱} قید پیر ایندیشم ^{۱۲} پیر عبید قدر علی ^{۱۳} عجیفه پسر و فر پسر شمع ^{۱۴} و اخوه
سبتا شس پیر خباده ند کر ^{۱۵} هنقر پیر مدرگ ^{۱۶} هر دان پیر حبل پسر در حقا ^{۱۷} هنکو
مولی نه از ^{۱۸} پیر ایندیشم ^{۱۹} جهود پیر حسین زجاجی ^{۲۰} عینی شیشه کر ^{۲۱} دیباشی پیر
پیر نعیم و سه نظر جسمانی ^{۲۲} دل خیل پیر صراز اهل شمع ^{۲۳} دویم شرک پیر شیب
یم ابراجهم پیر علی و هشت ترازه مهور اجمعی پیر هر بور ^{۲۴} پیر پهاره دا و د پیر
جهوده ^{۲۵} خالد پیر میمی سنباد پیر صالح د زاده درفت طوبیل ^{۲۶} پیر کرد داشت ^{۲۷}
دو و از وه نظر خیلی پوری ^{۲۸} این است اول معان بن خاطر بوبی
پیر مدرگ ^{۲۹} هزارا هیم پیر پوت قصیره مالک پیر قرب پرسکتین ^{۳۰} قید و د
سوکند و میمی پیر خالد ^{۳۱} معاد پیر جیر شیل ^{۳۲} آحمد پیر شیر پیر زرق ^{۳۳} عینی پیر
سوق ^{۳۴} این قید پیر دست ^{۳۵} محمد پیر خاد پیر شیب ^{۳۶} جوز پیر سر غان و دین
پیر است که چهار عزیز بجز بآوشده دست ^{۳۷} د آنها اول علامان ما هوچ است ^{۳۸} ابو
هرم ^{۳۹} عزیز پیر مطریوف ^{۴۰} هم بلیل پیر دان پدر پیر مرویار و و و از وه

شکر میخ دارند و از آنها نیز می خواهند که همچنان که
شکر میخ دارند و از آنها نیز می خواهند که همچنان که

زندگانی خود را در میان این افراد میگذراند و این افراد را میتوانند
باید باشند و این افراد را میتوانند باشند و این افراد را میتوانند باشند

عَلَىٰ مُهَاجِرَةِ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا مُهِاجِرُوا مُهْرَجَانٍ مُّهْرَجَانٍ
فَإِنَّمَا يُهْرَجُونَ مِمَّا يَحْتَلُّ مِنَ الْأَرْضِ وَمَا
يَحْتَلُّ مِنَ الْأَرْضِ إِنَّمَا يَحْتَلُّ مِنَ الْأَرْضِ
مَا كَانَ أَهْلَكُوهُ إِذَا هُمْ[ۖ] مُهْرَجُونَ

پیر عقوب اعریان پسر خان ملقب بحال روت ۱۰۱ شعبه پسر علی ۱۳ موسی پیکر داد
و از توق مکنف و دعده الله پسر محمد پرمادر است و از سند و لغه ای
که یکی شباب پسر عباس است و دیگری لفر پر منصور است و از همدان چهار
قریت آزادون پسر عمران و طیفور پسر محمد ساربان پسر محمد ضحاک همان
پسر اکبر مجهور است و از جایر وان نه قریت اکبر پسر حنف و هم عاصم
پسر غسل خیاط سوزبان و پسر درین و از تنوع مردمی است که اسم لقب پسر فرات
و از خلاط و هب است و از تخلیس نجف قرند احمد پسر زیست ۲۷۸
عطاردی ۲۷۹ پسر بدر مسلم پسر و صد هفتم پسر عصیر و از باب الابواب
جعفر پیر عیده الامن است و از شیخان چهار قریت اعبد الله
زنیق اشیع پسر علیه الله پسر آنیق هم بیش پسر کامل و با قابلیت اکرد و از
صادیک پیر که موسی بن روز قان است و از نصیین و مردانه یکی داد و دیگری
دیگر حامد صاحب بواری و از موصل کنفر است که سیماں پسر صدیع است
و از بلور قوه قریت یکی و سنا پسر سعد است و دیگری احمد پسر حبیب است
پرسود و از بلله کنفر است و او پورین پسر آیده پسر شروان است و از
زمیکنف و کامل پسر خیر است و از حریان اگر کیا و سعدی است و از زند قریت
اول احمد پسر سیمان و دیم نوبل پسر سیم ایش پسر اکبر و از را
بعده و قرند یکی عیاض پسر عاصم و دیگری ملح پسر اسعد است و چهار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
اللَّهُمَّ إِنِّي أَنْعَذُكَ مِنَ الشَّرِّ
الَّذِي أَنْعَذَكَ اللَّهُ
أَنْعَذَكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ
أَنْعَذَكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ
أَنْعَذَكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ

و خوب دل بوقس پری سفت دویم جلد پنجم پنجم ششم پنجم هشتم چهارم هجدهم
پنجم هشتم و از د مشق رفته نهاد آول نوح پنجم هشتم دویم شعب پنجم هشتم
چهارم پنجم هشتم هلفت آری و راز فلسطین گنیفرو او توید پنجم هیئت و از بعدیک هشتم
پنجم هشتم دویم طبری معاذ و از باقی صالح پنجم هشتم آن و از قوس دویم تراول هشتم
جلده دویم جلیل پنجم هشتم دویم اول تراولی یونس پنجم هشتم دویم احمد پنجم هشتم و از
دویم پنجم هشتم دویم ایله دویم اسوان و حاد پنجم هشتم دویم قطاط چهار تفریض
پنجم هشتم هشتم علی پنجم هشتم فراری هشتم هشتم پنجم هشتم هشتم هشتم و از
نفر دان دویم تفریض بکی علی پنجم هشتم هشتم هشتم هشتم هشتم هشتم هشتم هشتم
جلد سعدیت و از تبلیغی هشتم علی پنجم هشتم هشتم هشتم هشتم هشتم هشتم هشتم هشتم
صنعاد د تفریض که بکی قباض پنجم هشتم هشتم هشتم هشتم هشتم هشتم هشتم هشتم
و از ما زن گریم پنجم هشتم
دو مرد است بکی بحیی پنجم هشتم
هره پنجم هشتم
و از هادت حادت پنجم هشتم
و بکی شرچیل پنجم هشتم
چهارده تفریض است از هیجه پنجم هشتم هشتم هشتم هشتم هشتم هشتم هشتم هشتم هشتم
است ه مطرف پنجم هشتم هشتم

سید محمد پسر و آیه و احمد پسر و بیان و هر سیر عبد الله پرسان اخوند
پسر قدوس دو از دهیم ابراهیم پسر شعود و سایر پسر علی پسر خالد و عزت اعوانی
و از قدر ممدوه تقدیم اول رجیه پیر عَسْرَه و دویم شب پیر عبد الله و از حسن
بیکری پیر عبد الله پسر عبد الله واحد و از کوچه با شخص پسر مردان و از طاجی دو تقدیم
صحابه پیر عَسْدَه و صالح پسر طیفور و از اهواز و تقدیم ندیمی هنیه پیر نهاد
و دیگری جعفر پیر عَسْدَه و از سلم علقه پسر ابراهیم و از آن بعد دو تقدیم اول هول
پسر عَسْدَه و دیگری هشام پسر فاخر و از مولانه سید پسر ابراهیم و از نیل شاگر
پسر عَسْدَه و از قند ایل عمو پسر قزو و از مداین هشت تقدیم اول و دویم
و دیگر اور صالح که محمد و احمد و پسر منذر باشدند از هون پیر حرش عَسْدَه
علی هضرت پیر عَسْدَه و زهیر پیر طلحه و از نصره منصور و از عکبری زایده پیر حرش
و از حدوان و تقدیمی ناماز پیر کثیر و دیگری ابراهیم پیر محمد و از بصره سه تقدیم
عبد الرحمن پیر اعطاف باشد و دیگری احمد پیر ملیح هست و سیمی حاد پیر جابر است
و اصحاب کهف از ایشان میباشند که هفت تقدیم که کنی و اصحاب او باشند
و آما آن و و ما جر که پرون میباشد از انطاکیه کی موسی پیر عوان هست و یکی
دیگر ایشان پیر هربت و غلام رومنی ایشان و آما آن میاز و هر مرد که پنهان
پر و مبرده اند اقل صحبه پیر عباس و دویم جعفر پیر حلال سیم ضرداد پیر
سید چهارم عَسْدَه و سیم وی خشم مالک پسر خلیل ششم که پیر عَسْدَه عَسْدَه

وَنَبِئْنَاهُ كَمْ كَمْ مَعْلُومٌ مَعْلُومٌ مَعْلُومٌ مَعْلُومٌ مَعْلُومٌ مَعْلُومٌ
وَنَبِئْنَاهُ كَمْ كَمْ مَعْلُومٌ مَعْلُومٌ مَعْلُومٌ مَعْلُومٌ مَعْلُومٌ مَعْلُومٌ

خان هشتم با پسر فیان و چهار تقدیر کرد تا خبر را فقط از آن دو نفر که
 در مسرازند بیب نازل شد و اندیک جعفر پسر ذکریا و دیگری دانیال نیز
 داده است و چهارم تقدیر در سند را اول حور پسر طحان و دیم سعید پسر علی
 سیم تاه پسر پوتخ چهارم تقدیر آن‌گه از کشی ناپید آسیکرده متوجه پسر زید
 و آن‌گه از سپر اف یا از شیراوه است اسم او حسین پسر علوان
 و آناد و کریخه بودی سروای اوک پسر غلب و آدمی زیاده الله پسر زاق
 و آماهی متحلی بعلبه ابو داد و دو شاعر است و آماهی امداده از تخت بجهت
 نود حق عبد الله پسر صادق قبیله است و آماهی از ملح از قوم خود
 کوشخه است نواوس پسر محمد است و آماهی احتجاج کشنده با کتاب
 خد است بر ماصب و از پریده است و اصره که پی مخدوچ پر عیاده قیامی است و
 دویی بزید قاضی است این سماحی این سماحی و این بلاد و قرائیکه در تجربه است
 اثر مطورو است بسیاری از آنها با سماحی این زمان شباہتی مدارد و همچنین بلاد
 غیر مشهور است شاید این سماحی در آنج مان معروف شوند و این بلاد و قراء در آن
 در آن زمان معروف شوند و شاید این سماحی در شخاص در تر و بعضی معروف و مشهور نام
 و ترد عالم نامس نغیرین این اسم او را بخواسته شاید جهین سماحی باشند بغیر تغیر و تبدیل
 کن چون از بلاد و بعيده و دامت متفرقه و در طراف عالم از صحرا و دریا و کوهستان
 میباشند این سماحی در تردابل خود معروف باشند و این ولا پات و دکات

از ۱۹۰۷ تا ۱۹۰۸ و ۱۹۰۹ و ۱۹۱۰ و ۱۹۱۱ و ۱۹۱۲ و ۱۹۱۳ و ۱۹۱۴ و ۱۹۱۵ و ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ و ۱۹۱۸ و ۱۹۱۹ و ۱۹۲۰ و ۱۹۲۱ و ۱۹۲۲ و ۱۹۲۳ و ۱۹۲۴ و ۱۹۲۵ و ۱۹۲۶ و ۱۹۲۷ و ۱۹۲۸ و ۱۹۲۹ و ۱۹۳۰ و ۱۹۳۱ و ۱۹۳۲ و ۱۹۳۳ و ۱۹۳۴ و ۱۹۳۵ و ۱۹۳۶ و ۱۹۳۷ و ۱۹۳۸ و ۱۹۳۹ و ۱۹۴۰ و ۱۹۴۱ و ۱۹۴۲ و ۱۹۴۳ و ۱۹۴۴ و ۱۹۴۵ و ۱۹۴۶ و ۱۹۴۷ و ۱۹۴۸ و ۱۹۴۹ و ۱۹۵۰ و ۱۹۵۱ و ۱۹۵۲ و ۱۹۵۳ و ۱۹۵۴ و ۱۹۵۵ و ۱۹۵۶ و ۱۹۵۷ و ۱۹۵۸ و ۱۹۵۹ و ۱۹۶۰ و ۱۹۶۱ و ۱۹۶۲ و ۱۹۶۳ و ۱۹۶۴ و ۱۹۶۵ و ۱۹۶۶ و ۱۹۶۷ و ۱۹۶۸ و ۱۹۶۹ و ۱۹۷۰ و ۱۹۷۱ و ۱۹۷۲ و ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ و ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸ و ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ و ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶ و ۲۰۲۷ و ۲۰۲۸ و ۲۰۲۹ و ۲۰۳۰ و ۲۰۳۱ و ۲۰۳۲ و ۲۰۳۳ و ۲۰۳۴ و ۲۰۳۵ و ۲۰۳۶ و ۲۰۳۷ و ۲۰۳۸ و ۲۰۳۹ و ۲۰۴۰ و ۲۰۴۱ و ۲۰۴۲ و ۲۰۴۳ و ۲۰۴۴ و ۲۰۴۵ و ۲۰۴۶ و ۲۰۴۷ و ۲۰۴۸ و ۲۰۴۹ و ۲۰۵۰ و ۲۰۵۱ و ۲۰۵۲ و ۲۰۵۳ و ۲۰۵۴ و ۲۰۵۵ و ۲۰۵۶ و ۲۰۵۷ و ۲۰۵۸ و ۲۰۵۹ و ۲۰۶۰ و ۲۰۶۱ و ۲۰۶۲ و ۲۰۶۳ و ۲۰۶۴ و ۲۰۶۵ و ۲۰۶۶ و ۲۰۶۷ و ۲۰۶۸ و ۲۰۶۹ و ۲۰۷۰ و ۲۰۷۱ و ۲۰۷۲ و ۲۰۷۳ و ۲۰۷۴ و ۲۰۷۵ و ۲۰۷۶ و ۲۰۷۷ و ۲۰۷۸ و ۲۰۷۹ و ۲۰۸۰ و ۲۰۸۱ و ۲۰۸۲ و ۲۰۸۳ و ۲۰۸۴ و ۲۰۸۵ و ۲۰۸۶ و ۲۰۸۷ و ۲۰۸۸ و ۲۰۸۹ و ۲۰۹۰ و ۲۰۹۱ و ۲۰۹۲ و ۲۰۹۳ و ۲۰۹۴ و ۲۰۹۵ و ۲۰۹۶ و ۲۰۹۷ و ۲۰۹۸ و ۲۰۹۹ و ۲۱۰۰ و ۲۱۰۱ و ۲۱۰۲ و ۲۱۰۳ و ۲۱۰۴ و ۲۱۰۵ و ۲۱۰۶ و ۲۱۰۷ و ۲۱۰۸ و ۲۱۰۹ و ۲۱۱۰ و ۲۱۱۱ و ۲۱۱۲ و ۲۱۱۳ و ۲۱۱۴ و ۲۱۱۵ و ۲۱۱۶ و ۲۱۱۷ و ۲۱۱۸ و ۲۱۱۹ و ۲۱۲۰ و ۲۱۲۱ و ۲۱۲۲ و ۲۱۲۳ و ۲۱۲۴ و ۲۱۲۵ و ۲۱۲۶ و ۲۱۲۷ و ۲۱۲۸ و ۲۱۲۹ و ۲۱۳۰ و ۲۱۳۱ و ۲۱۳۲ و ۲۱۳۳ و ۲۱۳۴ و ۲۱۳۵ و ۲۱۳۶ و ۲۱۳۷ و ۲۱۳۸ و ۲۱۳۹ و ۲۱۴۰ و ۲۱۴۱ و ۲۱۴۲ و ۲۱۴۳ و ۲۱۴۴ و ۲۱۴۵ و ۲۱۴۶ و ۲۱۴۷ و ۲۱۴۸ و ۲۱۴۹ و ۲۱۵۰ و ۲۱۵۱ و ۲۱۵۲ و ۲۱۵۳ و ۲۱۵۴ و ۲۱۵۵ و ۲۱۵۶ و ۲۱۵۷ و ۲۱۵۸ و ۲۱۵۹ و ۲۱۶۰ و ۲۱۶۱ و ۲۱۶۲ و ۲۱۶۳ و ۲۱۶۴ و ۲۱۶۵ و ۲۱۶۶ و ۲۱۶۷ و ۲۱۶۸ و ۲۱۶۹ و ۲۱۷۰ و ۲۱۷۱ و ۲۱۷۲ و ۲۱۷۳ و ۲۱۷۴ و ۲۱۷۵ و ۲۱۷۶ و ۲۱۷۷ و ۲۱۷۸ و ۲۱۷۹ و ۲۱۸۰ و ۲۱۸۱ و ۲۱۸۲ و ۲۱۸۳ و ۲۱۸۴ و ۲۱۸۵ و ۲۱۸۶ و ۲۱۸۷ و ۲۱۸۸ و ۲۱۸۹ و ۲۱۸۱۰ و ۲۱۸۱۱ و ۲۱۸۱۲ و ۲۱۸۱۳ و ۲۱۸۱۴ و ۲۱۸۱۵ و ۲۱۸۱۶ و ۲۱۸۱۷ و ۲۱۸۱۸ و ۲۱۸۱۹ و ۲۱۸۲۰ و ۲۱۸۲۱ و ۲۱۸۲۲ و ۲۱۸۲۳ و ۲۱۸۲۴ و ۲۱۸۲۵ و ۲۱۸۲۶ و ۲۱۸۲۷ و ۲۱۸۲۸ و ۲۱۸۲۹ و ۲۱۸۳۰ و ۲۱۸۳۱ و ۲۱۸۳۲ و ۲۱۸۳۳ و ۲۱۸۳۴ و ۲۱۸۳۵ و ۲۱۸۳۶ و ۲۱۸۳۷ و ۲۱۸۳۸ و ۲۱۸۳۹ و ۲۱۸۴۰ و ۲۱۸۴۱ و ۲۱۸۴۲ و ۲۱۸۴۳ و ۲۱۸۴۴ و ۲۱۸۴۵ و ۲۱۸۴۶ و ۲۱۸۴۷ و ۲۱۸۴۸ و ۲۱۸۴۹ و ۲۱۸۴۱۰ و ۲۱۸۴۱۱ و ۲۱۸۴۱۲ و ۲۱۸۴۱۳ و ۲۱۸۴۱۴ و ۲۱۸۴۱۵ و ۲۱۸۴۱۶ و ۲۱۸۴۱۷ و ۲۱۸۴۱۸ و ۲۱۸۴۱۹ و ۲۱۸۴۲۰ و ۲۱۸۴۲۱ و ۲۱۸۴۲۲ و ۲۱۸۴۲۳ و ۲۱۸۴۲۴ و ۲۱۸۴۲۵ و ۲۱۸۴۲۶ و ۲۱۸۴۲۷ و ۲۱۸۴۲۸ و ۲۱۸۴۲۹ و ۲۱۸۴۲۱۰ و ۲۱۸۴۲۱۱ و ۲۱۸۴۲۱۲ و ۲۱۸۴۲۱۳ و ۲۱۸۴۲۱۴ و ۲۱۸۴۲۱۵ و ۲۱۸۴۲۱۶ و ۲۱۸۴۲۱۷ و ۲۱۸۴۲۱۸ و ۲۱۸۴۲۱۹ و ۲۱۸۴۲۲۰ و ۲۱۸۴۲۲۱ و ۲۱۸۴۲۲۲ و ۲۱۸۴۲۲۳ و ۲۱۸۴۲۲۴ و ۲۱۸۴۲۲۵ و ۲۱۸۴۲۲۶ و ۲۱۸۴۲۲۷ و ۲۱۸۴۲۲۸ و ۲۱۸۴۲۲۹ و ۲۱۸۴۲۲۱۰ و ۲۱۸۴۲۲۱۱ و ۲۱۸۴۲۲۱۲ و ۲۱۸۴۲۲۱۳ و ۲۱۸۴۲۲۱۴ و ۲۱۸۴۲۲۱۵ و ۲۱۸۴۲۲۱۶ و ۲۱۸۴۲۲۱۷ و ۲۱۸۴۲۲۱۸ و ۲۱۸۴۲۲۱۹ و ۲۱۸۴۲۲۲۰ و ۲۱۸۴۲۲۲۱ و ۲۱۸۴۲۲۲۲ و ۲۱۸۴۲۲۲۳ و ۲۱۸۴۲۲۲۴ و ۲۱۸۴۲۲۲۵ و ۲۱۸۴۲۲۲۶ و ۲۱۸۴۲۲۲۷ و ۲۱۸۴۲۲۲۸ و ۲۱۸۴۲۲۲۹ و ۲۱۸۴۲۲۲۱۰ و ۲۱۸۴۲۲۲۱۱ و ۲۱۸۴۲۲۲۱۲ و ۲۱۸۴۲۲۲۱۳ و ۲۱۸۴۲۲۲۱۴ و ۲۱۸۴۲۲۲۱۵ و ۲۱۸۴۲۲۲۱۶ و ۲۱۸۴۲۲۲۱۷ و ۲۱۸۴۲۲۲۱۸ و ۲۱۸۴۲۲۲۱۹ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۰ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۱ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۳ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۴ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۵ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۶ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۷ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۸ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۹ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۱۰ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۱۱ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۱۲ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۱۳ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۱۴ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۱۵ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۱۶ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۱۷ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۱۸ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۱۹ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۰ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۲۲ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۳ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۴ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۵ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۶ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۷ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۸ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۹ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۰ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۱ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۲ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۳ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۴ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۵ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۶ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۷ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۸ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۹ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۲۰ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۲۱ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۲۲۲ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۲۳ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۲۴ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۲۵ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۲۶ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۷ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۸ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۹ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۰ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۱ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۲ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۳ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۴ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۵ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۶ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۷ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۸ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۹ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۲۰ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۲۱ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۲۲۲ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۲۳ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۲۴ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۲۵ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۲۶ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۷ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۸ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۹ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۰ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۱ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۲ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۳ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۴ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۵ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۶ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۷ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۸ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۹ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۲۰ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۲۱ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۲۲۲ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۲۳ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۲۴ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۵ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۲۶ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۷ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۸ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۹ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۰ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۱ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۲ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۳ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۴ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۵ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۶ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۷ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۸ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۹ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۲۰ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۲۱ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۲۲۲ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۲۳ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۲۴ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۲۵ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۲۶ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۷ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۸ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۹ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۰ و ۲۱۸۴۲۲۲۲۲۱۱ و ۲۱۸

باين اسامی معروف و مشهور باشند و لکن مردم دنیا همه خبری از آنها ندارند و از
آنها داشتند شیوه های پنهانی که دوری آن بخلاف ایشان نزدیک است و در هر مکان و زمان شنید
و رسماً های ایشان و اسماً های بخلاف و قرات تفاصیل دارد که اهل مکان و پیرا در
شنیده اند بلکه بجهت این بیار غریب و عجیب هستند و چون آنچه واقع شود
میتوان حضرت و سایر مردم و بعض اخبار احوال آنرا بحاب و اصحاب و جواب
او بطریق رموز و اشارات و استعارات و کنایات و تشبیهات و تهییمات
وارد شده است از جمله و مکثی هند اما اکتفا نمود بعض آنها درین عیاله نموده که کمال
بیل ال جمال هرگز معرفت باهد آن حضرت بهم رساند و اند هو الواقع و آن
نور و وانه و هم در بیان وقت ظهور و کیفیت او و سلوك و
کفار و کروار و فتخار آن فخر عالم و آدمیان است
باکارین و مشرکین و منافقین و فاسقین و فاجرین و ظالمین و مرتدین و اهل بد
و ضالین از عالمین بد آنکه از مضماین احادیث مشکله و خبر اعدیه و اثمار
ستعد و چین ظاهر میشود که ظهور نور جمال مونور السرور آن مرد در سال طلاق خواهد
میشید و پنج و هفت و نه در خبری وارد است که ظهور آن جناب در دو زنی
عاشورا کرد و زخمی است حضرت شید الشبد او و قوت ظالمین
و خوارج و مشرکین باشد که روز خرناک تحویله و سروری انبیه است و آن مرد
در خبر و بگزید که آن حضرت در روز جمعه در وقت خطبه خواندن نماز جمعه خاتمه

فَلَمَّا دَرَأَهُ الْمَنَىٰ وَلَمَّا
أَتَاهُ الْمَنَىٰ فَلَمَّا دَرَأَهُ
الْمَنَىٰ وَلَمَّا أَتَاهُ الْمَنَىٰ

مشوند در کله مخطه و کردن خطیب را بزند و از اطوار ناس غایب شود و صبح روز شنبه
ظاهر شود و باین هیب است که اهل سنت در روز جمعه در وقت خطبه و نماز در
امی مسجد را پهند و آجری داده است که روز پیشنه ظاهر شود که کسی نداند و در
جهود کردن خطیب را بزند و در روز شنبه تهور را و فاش شود که چه کسی بداند و در آجری
دو دشده است که مگر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام میفرموده اعجنا کل این
بین جادوی و رحیق شخصی خود را امیر المؤمنین این چنوبه بست که مگر او را
پریان مبارک جاری میفرمائی آن شمرت فرموده چکوئه تعجب نکنم که کویامی خشم که جمی
از مرده گازنده شده اند و شمشیرهای خود را بد و شش غردنها را در کوه در میان
و بازارهای او کرد و شش میکند و گردن کفار را میترسد و این دخلی زمان ظهور مدارد
این در زمان رحیقت یا بعد از ظهور که جمی از مردگان زنده مشوند بیاشد و چون
مفضل بن عمر که از جمله اجلاد صحابه و شیعیان خالص حضرت کاشف اسرار حقیق
و معادف و حقیق مولانا امام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام است حدیثی طولی
که جامع و جمیع کیفیات و گیات طهور سپر و سلوک و رقان و لفقار و گرد و راه رحیقت
قایم است و دایست میکند و علماء اعلام و محمد بن قاسم او را در کتب سعیره معتبره معرفه
خود داشت و ضبط نموده اند لذا من اباب التین و اثیرک حاصل مضمون او در اینجا
میکنم که موجب روشنایی احمد بن حنبل شیعیان و دل ایشان بوده باشد هدایتکه صریح
میشان که موجب روشنایی احمد بن حنبل شیعیان و دل ایشان بوده باشد هدایتکه صریح
میشان که از جمله اجلاد شیعیان حقیق ایقان امیر المؤمنین است در کتاب منتخب البصائر

آن هنری فارسی دلمه از این اذان که دل ایشان بوده باشد هدایتکه صریح
میشان که از جمله اجلاد شیعیان حقیق ایشان بوده باشد هدایتکه صریح

لار فرند بله علیکم فرمودند که این مکان را میگذرد و آن را میگذرد و آن را میگذرد و آن را میگذرد

که از جمله کتب احادیث معتبره آن رسول است بمناسبت از فرزند
حضرت خیرالبشر مولانا جانب امام جعفر صادق آن محمد صلی الله علیه و آله و سلم که
مفضل بن عمر زبان حضرت سوال نمود که قدسی تو شوم آیا وقت شعاعی از برآ
ظهور قایم آن محمد صمیم میباشد آن جانب فرمود خداوند عالمیان ای و انتی ع
فرمود است از هیکله شیعیان مابدا شد که وقت ظهور آنحضرت که اول قیامت صغر
پاشد و هر کس وقتی از برای ظهور آنحضرت متین نماید خود را با هم غیر خدا شکر
نمود است و ادعای اطلاع بر اسرار آسمی نموده است پس مفضل عرض نمود ای سید
و مولا می من چگونه خواهد بود ابتداء ظهور آنحضرت آن جانب فرمود و او بخیر طاهر خواه
شدن نامی در عالم پن کرد و بلند شود و امر شر چوید او روش شود و منادی از
ہشمان باسم و نسب نگویت شد اگرند نماه که جلت پر خلق تمام شود و بآن جمیع که مادر
خلق لازم ساخته ایم و احوال و قایع اور ایمان نموده ایم و نام و نسب و گنیت آنحضرت
از برای تمام مردم ظاهر گرده ایم و نام و گنیت او مثل نام و گنیت خدا و رسول خدیمیا
ما آنکه مردم نگویند که نام و نسب آنحضرت از پدر استیم پس حق تعالی اور ابراهیم و سینا
غالب فرماید چنانچه و عدد بررسی خود محمد صطفی فصل الله علیه و آله و سلم فرمود
است در کلام مجید خود که آرسطه پا آئندی و دین انجی یعنی پیغمبر اعلی اللذین کفرند و کوئی
گزمه الشیرکون یعنی فرستاد است خدار رسول خود را بجهة هدایت نمودن مردم را بتوی
حق نمایا و را ظاهر نماید بجهة وینها و هر چند که کفرند و مخواهند مشرکان و دوچار

شیوه پیغمبر ایشان را بجهة نیکی و بجهة نیکی
زیست و بجهة نیکی
همجی و بجهة نیکی و بجهة نیکی